موضوع پژوهش (1)

فعاليت‏هاى سياسى امام عسكرى (ع) در يك نگاه‏

عليرضا انصارى‏

امام حسن عسكرى در سال 232 ه . ق چشم به جهان گشود.(1) پدرش امام دهم، حضرت هادى (ع) و مادرش بانويى پارسا به نام «حُدَيثه» است(2) كه برخى از او به «سوسن» ياد كرده‏اند.(3) اين بانو، از زنان نيكوكار بود و در فضيلت او همين بس كه پس از شهادت امام حسن عسكرى (ع)، پناه‏گاه و نقطه اتّكاى شيعيان در آن مقطع زمانى بسيار بحرانى و حساس بود.(4)

از آن‏جا كه امام عسكرى به دستور خليفه عباسى در «سامرا» در محله «عسكر» سكونت (اجبارى) داشت، به همين دليل «عسكرى» ناميده شده است.(5)

از مشهورترين القاب ديگر حضرت، «نقى» و «زكى»(6) و كنيه‏اش «ابو محمد» است. او 22 ساله بود كه پدر ارجمندش به شهادت رسيد. مدت امامت وى 6 سال و عمر شريفش 28 سال بود. آن بزرگوار در سال 260 ه . ق به شهادت رسيد و در سامرا در كنار مرقد پدرش به خاك سپرده شد.(7)

خلفاى معاصر حضرت‏

امام عسكرى (ع) در مدت كوتاه امامت خويش با سه نفر از خلفاى عباسى معاصر بود كه هر يك از ديگرى ستم‏گرتر بودند. اين سه تن عبارت‏اند از:

1 - المعتزّ بالله (255 - 252 ه . ق)؛

2 - المهتدى بالله (256 - 255 ه . ق)؛

3 - المعتمد بالله (279 - 256 ه . ق).

اوضاع سياسى، اجتماعى‏

خلفاى عباسى از هرگونه اِعمال فشار به امامان دريغ نمى‏كردند و اين فشارها در عصر امام جواد و امام هادى و امام عسكرى (عليهم السلام) در سامرا به اوج خود رسيد. شدت اين فشارها به قدرى بود كه اين سه بزرگوار عمر كوتاهى داشتند؛ امام جواد (ع) در سنّ 25 سالگى، امام هادى (ع) در سنّ 41 سالگى و امام عسكرى در سنّ 28 سالگى به شهادت رسيدند. در اين ميان، فشارها و محدوديت‏هاى زمان امام حسن عسكرى (ع) به دو علت، از دو پيشواى ديگر بيش‏تر بود:

1 - در زمان امام عسكرى (ع) شيعه به صورت يك قدرت عظيم در عراق در آمده بود و همه مردم مى‏دانستند كه اين گروه به خلفاى وقت معترض بوده و حكومت هيچ يك از عباسيان را مشروع و قانونى نمى‏داند، بلكه معتقد است امامت الهى در فرزندان على (ع) باقى است و در آن زمان شخصيت ممتاز اين خانواده امام حسن عسكرى (ع) بود. گواه قدرت شيعيان، اعتراف «عبيدالله»، وزير معتمد عباسى به اين موضوع است.

توضيح اين‏كه پس از شهادت حضرت عسكرى (ع)، برادرش جعفر كذّاب نزد عبيدالله رفت و گفت: منصب برادرم را به من واگذار، من در برابر آن ساليانه بيست هزار دينار به تو مى‏دهم. وزيرِ خليفه به او پرخاش كرد و گفت: احمق! خليفه آن‏قدر به روى كسانى كه پدر و برادر تو را امام مى‏دانند، شمشير كشيد تا بلكه بتواند آنان را از اين عقيده برگرداند، ولى نتوانست و با تمام كوشش‏هايى كه كرد توفيقى به دست نياورد، اينك اگر تو در نظر شيعيان امام باشى نيازى به خليفه و غير خليفه ندارى و اگر در نظر آنان چنين مقامى نداشته باشى كوشش ما، در اين راه كوچك‏ترين فايده‏اى نخواهد داشت.(8)

2 - خاندان عباسى و پيروان آنان، طبق روايات و اخبار متواتر، مى‏دانستند مهدى موعود (عج) كه تار و مار كننده كليه حكومت‏هاى خود كامه است، از نسل حضرت عسكرى (ع) خواهد بود، به همين دليل پيوسته مراقب وضع زندگى او بودند تا بتوانند فرزند او را به چنگ آورده و نابود كنند.

حكومت عباسى به قدرى از نفوذ و موقعيت مهم اجتماعى امام نگران بود كه او را ناگزير كرده بود هر هفته روزهاى دوشنبه و پنجشنبه در دربار حاضر شود.(9) حتى به اين مقدار نيز اكتفا نكرد، بلكه «معتز بالله» امام را بازداشت و زندانى كرد(10) و حتى به «سعيد حاجب» دستور داد آن حضرت را به سمت كوفه حركت داده و در راه، او را به قتل برساند، ولى پس از سه روز، تركان، خودِ او را به هلاكت رساندند.(11)

پس از او «مهتدى بالله» نيز امام را بازداشت و زندانى كرد و تصميم به قتل حضرت داشت كه خداوند مهلت نداد و تركان بر ضد او شوريدند.(12)

فعاليت‏هاى سياسى‏

على‏رغم اين‏كه امام شديداً تحت نظر بود و زمينه‏هاى فعاليت‏هاى سياسى‏اش سلب شده بود، ولى در قالب‏هاى مختلف، لحظه‏اى از مبارزه عليه حكومت‏هاى معاصر غافل نبود.

توضيح اين‏كه: هر چند حضور اجبارى امام حسن (ع) در محله «عسكر» نوعى زندان شمرده مى‏شد، اما طاغوتيان به اين مقدار بسنده نكردند و بارها حضرت را به زندان‏هاى مخوف افكندند. در عين حال، امام مبارزه همه جانبه را انجام داد، با اين تفاوت كه شرايط مبارزه مسلحانه براى ايشان فراهم نشد اما مبارزه حضرت در قالب ديگر ظهور نمود كه مى‏توان از آن به «مجاهدت‏هاى خاموش» ياد كرد. در اين‏جا به بعضى از آن‏ها اشاره مى‏شود:

الف) رابطه تشكيلاتى با شيعيان‏

يكى از روش‏هاى امام (ع) در مبارزه با خلفاى ستم‏گر، ايجاد رابطه عميق با شيعيان و ايجاد تشكيلات بود. امام شبكه ارتباطى قوى‏اى تشكيل داده بود و خود عملاً به سازماندهى آن مى‏پرداخت. از سوى ديگر، به گونه‏اى رفتار مى‏نمود كه دشمن از اين ارتباط آگاهى پيدا نمى‏كرد. ابو هاشم جعفرى مى‏گويد: در يكى از روزها امام مرا فرا خواند، چوبى در اختيارم گذارد و فرمود: اين را به «عمرى» برسان. در راه با سقايى رو به شدم و از من خواست كنار روم تا مزاحم اَسترش نباشم؛ من كنار نرفتم، چوب را بلند كردم و به استر زدم. ناگهان چوب شكافته شد و نامه‏هاى درونش به زمين افتاد. شتابان، نامه‏ها را جمع كردم و در حالى‏كه سقا دشنامم مى‏داد پى مأموريت خويش شتافتم. وقتى به خانه امام (ع) بازگشتم، عيسى، خادم حضرت گفت: آقايت مى‏گويد: چرا استر را زدى و چوب را شكستى؟ ديگر چنين مكن. اگر شنيدى كسى به ما دشنام مى‏دهد، از معرفى خود بپرهيز و راه خويش پيش گير، زيرا ما در بد سرزمينى زندگى مى‏كنيم.(13)

آن‏چه احمد بن اسحاق بيان مى‏كند نيز در همين راستاست. او مى‏گويد: از امام عسكرى (ع) خواستم چيزى بنويسند تا خط حضرت را بشناسم و بتوانم نامه‏هاى آن بزرگوار را تشخيص دهم. امام (ع) فرمود: گاهى با قلم درشت و زمانى با قلم باريك است، از اين‏رو به خود ترديد راه مده. سپس دوات خواست و به نوشتن پرداخت. با خود گفتم: خوب است قلم حضرت را بگيرم. پيش از آن‏كه سخنى به زبان آورم، حضرت قلم را به من بخشيد.

روايات فوق نشان مى‏دهد كه ارتباط امام (ع) با شيعيان از دقت و ظرافت خاصى برخوردار بود و حضرت همواره آنان را در يك حركت هم‏آهنگ و نظام‏مند رهبرى مى‏كرد.(14)

ب) پاسدارى از شيعيان‏

تداوم يك حركت اصيل، به حفظ موجوديت و استفاده درست و به‏جا از نيروهاى وابسته، متكى است. حركت‏هاى غير اصولى و نا به‏جا خطر بزرگى است كه حتى نهضت‏هاى الهى را به سمت نابودى پيش مى‏برد. بدين سبب، امامان معصوم از راه‏هاى مختلف در صدد حفظ شيعيان بودند. يكى از اين راه‏ها، استفاده از تقيّه بود؛ بدين‏سان امامان در برخى شرايط شيعيان را به اين اصل سفارش مى‏نمودند. شرايط در عصر امام عسكرى نيز به گونه‏اى بود كه تقيّه بهترين راه‏كار براى حفظ شيعيان بود. از اين رو آن حضرت ضمن تأكيد بر برائت از دشمنان، پيوسته اين اصل را به شيعيان يادآورى مى‏كرد. بخشى از رواياتى كه بدين حقيقت اشاره مى‏كند، عبارت است از:

1 - يكى از دوست‏داران امام (ع) مى‏گويد: در سامرا به انتظار حضرت بوديم كه نامه امام را دريافت كرديم. حضرت نوشته بود: كسى به من سلام و اشاره نكند، در غير اين صورت امنيت جانى نخواهد داشت.

2 - صميرى مى‏گويد: حضرت برايم نوشت: مواظب خود باشيد و آمادگى داشته باشيد. پس از سه روز، حادثه‏اى رخ داد. به حضرتش نوشتم: آيا منظورتان آمادگى براى اين حادثه بود؟ پاسخ داد: خير، مواظب باشيد؛ پس از چند روز معتز بالله كشته شد.

3 - ابوهاشم جعفرى، مى‏گويد: وقتى در زندان بودم امام عسكرى (ع) را همراه برادرش جعفر به زندان آوردند. براى عرض سلام به حضورش شتافتم. حضرت به مردى كه خود را علوى معرفى مى‏كرد، اشاره كرد تا بيرون رود. پس از خروج، فرمود: مواظب اين مرد باشيد كه جاسوس است و گزارشى از شما براى خليفه آماده كرده است. اندكى بعد، لباس‏هاى آن مرد را گشتيم؛ چنان‏كه حضرت فرموده بود گزارش دقيقى به همراه داشت.(15)

ج) تبرّا و تولا

يكى از راه‏هاى مبارزه امام (ع)، فرمان بيزارى از دشمنان اهل بيت (ع) و اظهار ولايت و هم‏بستگى با آنان است. امام عسكرى (ع) شيعيان را به بيزارى از دشمنان اهل بيت فرا مى‏خواند و هم‏چنين آنان را به دوستى دوستان اهل بيت سفارش مى‏نمود. اين امر مبارزه جدى عليه حكومت محسوب مى‏شد. على بن عاصم به امام عسكرى (ع) گفت: من بر حمايت عملى از شما توانا نيستم و جز ولايت شما و برائت از دشمنانتان سرمايه‏اى ندارم. حضرت فرمود: كسى كه توان يارى ما را ندارد ولى در خلوت دشمنان ما را لعنت مى‏كند، خداوند فرشتگان را از كردارش آگاه مى‏سازد و آن‏ها براى او آمرزش مى‏طلبند.(16)

د) حمايت و پشتيبانى مالى از شيعيان‏

علويان به سخت‏ترين روش‏ها آزموده شدند و غالباً و در عصر حكومت عباسى در ترس و بيم بسيار به سر بردند، زيرا پادشاهان عباسى رسماً به شكنجه و تعقيب و تار و مار ساختن آنان كمر بسته بودند.

عيسى بن زيد در اين‏باره مى‏گويد: از آن‏چه به سر ما مى‏آيد به خدا شِكوه مى‏كنيم در حالى‏كه ما آشكارا از روى ظلم كشته مى‏شويم و بيمناكيم و گروه‏هايى به دليل محبتشان به ما خوش‏بخت مى‏شوند، در صورتى كه ما به وسيله ايشان دچار بدبختى هستيم.(17)

اين شعر، حكايت از قتل و سركوبى و جور و ستمى است كه عباسيان بر علويان روا داشتند، هر چند عباسيان به ملك و سلطنت نرسيدند مگر با نام علويانى كه قربانيان زيادى را در راه آزادى مردم مسلمان از چنگال استبداد اموى تقديم كرده بودند.

از روش‏هاى سختى كه عباسيان در برابر علويان اتخاذ كردند اين بود كه ايشان را در محاصره اقتصادى قرار دادند و در نتيجه آن‏ها در تنگناى مالى واقع شدند. يحيى بن عمر علوى در حالى‏كه عباسيان را مخاطب قرار داده است، در اين‏باره مى‏گويد: اين پيام را از قول كسى كه هرگز از حق به ظلم و جور گرايش نيافت به بنى عباس برسان؛ اگر دنيا مال شخصى ايشان است، از آن به مقدار قوتى به پسر عموها بذل و بخشش كنيد و از مال خودتان به قوت ما گشايشى بدهيد كه اين‏كار در حكومت به عدالت نزديك‏تر است. معناى اين شعر، آن است كه عباسيان نه به مقدار قوت بلكه در حد سدّ رمق نيز به علويان چيزى نمى‏دادند و فقر را چون جانورى كه اجساد ايشان را مى‏آزرد بر ايشان مسلط كردند.

برخى از منابع تاريخى بر اين مطلب اشاره دارد كه علويان در روزگار «متوكل» به قدرى سختى و محروميت ديدند كه وحشت و مرارت آن قابل توصيف نيست؛ چنان بودند كه گاهى جز يك عبا نداشتند و اگر يك مرد علوى مى‏خواست از خانه بيرون بيايد آن را مى‏پوشيد و هم‏چنين اگر يك زن علويه مى‏خواست آن را بر تن مى‏كرد. مردم نيز از ترس سلطه ستم‏پيشگان جرئت ارتباط با ايشان را نداشتند. بدين‏سان يكى ديگر از جلوه‏هاى مبارزه امام عسكرى (ع) حمايت و پشتيبانى مالى از شيعيان، به‏ويژه ياران خاص و نزديك آن حضرت بود. اين امر هم موجب تقويت شيعيان مى‏شد و هم نوعى دهن‏كجى به حكومت بود. هم‏چنين مانع جذب شيعيان به حكومت مى‏شد.

دشمن با محروميت اقتصادى شيعيان در صدد تسليم كردن آنان و از بين بردن زمينه‏هاى قيام بود، ولى كمك‏هاى مالى امام روح تازه‏اى به شيعيان مى‏دميد و آنان را مقاوم‏تر مى‏نمود.

با مطالعه در زندگانى آن حضرت، اين مطلب به خوبى آشكار مى‏شود كه گاهى برخى از ياران امام از تنگناى مالى، در محضر امام شِكوه مى‏كردند و حضرت، گرفتارى مالى آنان را برطرف مى‏ساخت و گاه حتى پيش از آن‏كه اظهار كنند، امام مشكل آنان را برطرف مى‏كرد. اين اقدام امام مانع از آن مى‏شد كه آن‏ها زير فشار مالى، جذب دستگاه حكومت ستم‏گر عباسى شوند. در اين زمينه مى‏توان به چند نمونه اشاره كرد:

1 - ابوهاشم جعفرى مى‏گويد: از نظر مالى در مضيقه بودم. خواستم وضع خود را طى نامه‏اى به امام عسكرى (ع) بنويسم، ولى خجالت كشيدم و صرف‏نظر كردم. وقتى وارد منزل شدم، امام صد دينار براى من فرستاد و طى نامه‏اى نوشت: هر وقت احتياج داشتى خجالت نكش و پروا مكن، از ما بخواه كه به خواست خدا به مقصود خود مى‏رسى.(18)

2 - على بن زيد علوى مى‏گويد: امام عسكرى (ع) مبلغى پول به من داد و فرمود: با اين پول كنيزى بخر، زيرا كنيز تو مرده است. وقتى كه به منزل برگشتم، ديدم كنيز مرده است.(19)

3 - «ابوطاهر بن بلال» يك سال به حج مشرّف شد و در آن‏جا مشاهده كرد كه على بن جعفر(20) مبالغ هنگفتى انفاق كرد. وقتى كه از حج بازگشت، جريان را به امام گزارش داد. امام در پاسخ نوشت: قبلاً دستور داده بوديم صد هزار دينار به وى بدهند، سپس مجدداً بالغ بر همين مبلغ براى او حواله كرديم ولى او براى رعايت حال ما نپذيرفت. بعد از اين جريان، على بن جعفر به حضور امام شرف‏ياب شد و به دستور حضرت سى هزار دينار به وى پرداخت گرديد.(21)

البته پرداخت چنين مبلغ‏هايى با توجه به محدوديت امام، نبايد موجب ترديد يا انكار گردد، زيرا به رغم آن‏كه فعاليت‏هاى اجتماعى و سياسى امام به شدت تحت كنترل حكومت عباسى بود، رقم‏هاى قابل توجهى از شيعيان مناطق مختلف، توسط نمايندگان امام به آن حضرت مى‏رسيد. مثلاً در تاريخ آمده است: شخصى از «جرجان» به محضر امام رسيد و اموالى را كه شيعيان آن منطقه فرستاده بودند به پيش‏كار امام به نام «مبارك» تسليم كرد.(22) يا شخصى كه از منطقه جبل (قسمت‏هاى كوهستانى ايران تا قزوين و همدان) با راهنمايى يك نفر علوى به حضور امام رسيده بود، چهار هزار دينار به امام تقديم كرد.(23)

ه) توجيه سياسى رجال مهم شيعه‏

از جالب‏ترين فعاليت‏هاى سياسى امام عسكرى (ع) تقويت و توجيه سياسى رجال مهم شيعه در برابر فشارها و سختى‏هاى مبارزات سياسى، در جهت حمايت از آرمان‏هاى بلند تشيّع بود. از آن‏جا كه شخصيت‏هاى بزرگ شيعه در فشار بيش‏ترى بودند، امام به تناسب مورد، هر يك از آنان را به نحوى دل‏گرم و راهنمايى مى‏كرد و روحيه آنان را بالا مى‏برد تا ميزان تحمل و صبر و آگاهى‏شان در برابر فشارها، تنگناها، و فقر و تنگ‏دستى‏ها و ظلم‏ها فزونى يابد و بتوانند مسئوليت بزرگ اجتماعى و سياسى و وظايف دينى خود را به خوبى انجام دهند.

محمد بن حسن بن ميمون مى‏گويد: نامه‏اى به امام عسكرى (ع) نوشتم و از فقر و تنگ‏دستى شِكوه كردم، ولى بعداً پيش خود گفتم: مگر امام صادق (ع) نفرموده كه: فقر با ما بهتر از توان‏گرى با ديگران است و كشته شدن با ما بهتر از زنده ماندن با دشمنان ماست. امام در پاسخ نوشت: هرگاه گناهان دوستان ما زياد شود، خداوند آن‏ها را به فقر گرفتار مى‏كند و گاهى از بسيارى از گناهان آنان در مى‏گذرد؛ هم‏چنان كه پيش خود گفته‏اى، فقر با ما بهتر از توان‏گرى با ديگران است. ما براى كسانى كه به ما پناهنده شوند، پناه‏گاهيم و براى كسانى كه از ما هدايت بجويند، نوريم. ما نگه‏دار كسانى هستيم كه (براى نجات از گمراهى) به ما متوسل مى‏شوند. هر كس ما را دوست بدارد، در رتبه بلند (تقرّب به خدا) با ماست و كسى كه پيرو راه ما نباشد، به سوى آتش خواهد رفت.(24)

نمونه ديگر در اين زمينه نامه‏اى است كه امام عسكرى (ع) به على بن حسين بن بابويه قمى، يكى از فقهاى بزرگ شيعه نوشته است. امام در اين نامه پس از ذكر يك سلسله توصيه‏ها و رهنمودهاى لازم، چنين يادآورى مى‏كند: صبر كن و منتظر فرج باش كه پيامبر(ص) فرموده است: برترين اعمال امت من، انتظار فرج است. شيعيان ما پيوسته در غم و اندوه خواهند بود تا فرزندم (امام دوازدهم) ظاهر شود؛ همان كسى كه پيامبر بشارت داده كه زمين را از قسط و عدل پر خواهد ساخت؛ هم‏چنان كه از ظلم و جور پر شده باشد. اى بزرگ‏مرد و مورد اعتماد و فقيه من، صبر كن و شيعيان مرا به صبر فرمان بده. زمين از آن خداست و هر كسى از بندگانش را كه بخواهد، وارث (حاكم) آن قرار مى‏دهد. فرجام نيكو، تنها از آن پرهيزگاران است. سلام و رحمت خدا و بركات او بر تو و همه شيعيان باد!(25)

ز) تربيت نخبگان هوشيار

گرچه امام عسكرى (ع) به حكم شرايط نامساعد و محدوديت بسيار شديدى كه حكومت عباسى برقرار كرده بود موفق به گسترش دانش دامنه‏دار خود در سطح كل جامعه نشد، اما در عين حال، با همان فشار و خفقان شاگردانى تربيت كرد كه هر كدام به سهم خود در نشر و گسترش معارف اسلام و رفع شبهات دشمنان نقش مؤثّرى داشتند. ضمن اين‏كه در مبارزه عليه حكومت‏ها و فرهنگ‏سازى نيز نقش بنيادى داشتند. اتفاقاً حكومت وقت شديداً از شاگردان امام وحشت داشت به گونه‏اى كه به هر نحو ممكن عليه آنان مبارزه مى‏نمود.

شيخ طوسى (ره) تعداد شاگردان آن حضرت را متجاوز از صد نفر ثبت كرده است كه در ميان آنان چهره‏هاى روشن، شخصيت‏هاى برجسته و مردان وارسته‏اى مانند: احمد بن اسحاق اشعرى قمى، ابو هاشم داود بن قاسم جعفرى، عبدالله بن جعفر حميرى، ابو عمرو عثمان بن سعيد عمرى، على بن جعفر و محمد بن حسن صفار به چشم مى‏خورند كه شرح خدمات و كوشش‏هاى آنان احتياج به زمانى ديگر دارد.

محورهاى پژوهش:

لطفاً فقط يكى از محورهاى زير را انتخاب كرده و درباره آن مقاله بنويسيد.

1. زندگى سياسى امام حسن عسكرى (ع).

2. فعاليت‏هاى فرهنگى امام حسن عسكرى (ع).

3. شيوه‏هاى برخورد امام حسن عسكرى (ع) با اهل سنّت.

4. نگاهى به مقام عرفانى امام حسن عسكرى (ع).

5. امام حسن عسكرى (ع) و شيوه‏هاى تربيت فرزندان.

6 . شيوه‏هاى رفتارى امام حسن عسكرى (ع) با خانواده.

7 . سياست امام حسن عسكرى (ع) در فرهنگ‏سازى غيبت امام زمان (عج).

منابع پژوهش:

1. با خورشيد سامرّا؛ تحليلى از زندگانى امام حسن عسكرى (ع)، محمدجواد طبرسى‏حائرى، ترجمه عباس جلالى.

2. برگزيدگان؛ حضرت امام حسن عسكرى (ع)، عبدالله طاهر.

3. تحليلى از زندگانى امام حسن عسكرى (ع)، باقر شريف قرشى، ترجمه جلد دوازدهم بحارالانوار.

4. زندگانى حضرت امام محمدتقى و امام على‏النّقى و امام حسن عسكرى (ع)، محمدباقر مجلسى، ترجمه موسى خسروى.

5 . تحليلى از زندگى و زمان امام عسكرى (ع)، گروهى از نويسندگان.

6 . زندگانى امام حسن عسكرى (ع)، منصور كريميان.

7. زندگانى حضرت امام حسن عسكرى (ع)، گروهى از علماى لبنان، ترجمه حميدرضا كفّاش.

8 . زندگانى حضرت امام حسن عسكرى (ع)، رضا استادى.

9. زندگى و سيماى امام حسن عسكرى (ع)، محمدتقى مدرّسى، ترجمه محمدصادق شريعت.

10. زندگانى امام حسن عسكرى (ع)، عبدالرحيم عقيقى بخشايشى.

11. زندگانى عسكريّين و تاريخچه سامرّا، ابوالقاسم سحاب.

12. زندگانى امام حسن عسكرى (ع)، باقر شريف‏قرشى، ترجمه سيدحسن اسلامى.

13. ستارگان درخشان؛ سرگذشت حضرت امام حسن عسكرى (ع)، محمدجواد نجفى.

14. شهر بى‏حصار؛ داستان زندگى امام حسن عسكرى (ع)، رضا استادى.

15. غريب تنها؛ زندگى امام حسن عسكرى (ع)، مهدى شمس‏الدّين.

16.كرامات و مقامات عرفانى امام حسن عسكرى (ع)، على حسينى.

17. نگاهى بر زندگى امام حسن عسكرى (ع)، محمد محمدى.

18. سيرى در سيره ائمه اطهار، شهيد مرتضى مطهرى.

\* \* \*

پي نوشت ها:

1) اصول كافى، ج 1، ص 503؛ شيخ مفيد، الارشاد، ص 335؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج 4، ص 242.

2) شيخ مفيد، همان، ص 335.

3) اصول كافى، ص 503؛ على بن عيسى اربلى، كشف الغمّة، ص 1920.

4) شيخ عباس قمى، الانوار البهية، ص 151.

5) شيخ صدوق، علل الشرايع، ص 650.

6) ابو جعفر محمد بن جرير الطبرى، دلائل الامامة، ص 223.

7) شيخ مفيد، الارشاد، ص 345.

8) على بن عيسى الاربلى‏كشف الغمّة، ج 3، ص 197.

9) ابن شهر آشوب، مناقب آل أبى طالب، ج 4، ص 434.

10) بحار الانوار، ج 50، ص 311.

11) همان، ص 313.

12) ابراهيم حسن، تاريخ سياسى اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاينده، ج 4، ص 234.

13) ماهنامه كوثر، شماره 28، ص 22.

14) مهدى پيشوايى، سيره پيشوايان، ص 633.

15) شيخ مفيد، الارشاد، ص 343؛ اعلام الورى، ص 372.

16) ماهنامه كوثر، شماره 28، ص 24.

17) همان.

18) شيخ مفيد، الارشاد، ص 343؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج 4، ص 439.

19) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج 4، ص 431؛ على بن عيسى الاربلى، كشف الغمة، ج 3، ص 218.

20) على بن جعفر، از دوستداران صميمى و ياران ويژه و بسيار مورد اعتماد امام هادى و امام عسكرى (عليهما السلام) بود.

21) شيخ طوسى، الغيبة، ص 212.

22) على بن عيسى الاربلى، كشف الغمة، ج 3، ص 217.

23) همان، ص 216.

24) طبرسى، اعلام الورى، ص 448 و 449.

25) رجال، ص 427 به بعد.